



میمون های گران بها

روزی روزگاری در روستایی در هند، مردی به روستایی ها اعلام کرد که به ازای هر میمون ۲۰ هزار تومان به آن ها پول خواهد داد. روستایی ها هم که دیدند اطرافشان پر است از میمون، به جنگل رفتند و شروع به گرفتن میمون ها کردند. مرد هم هزاران میمون به قیمت ۲۰ هزار تومان از آن ها خرید. ولی با کم شدن تعداد میمون ها، روستایی ها دست از تلاش کشیدند. به همین خاطر مرد به آن ها پیشنهاد داد برای هر میمون به آن ها ۴۰ هزار تومان خواهد پرداخت. با این شرایط روستایی ها فعالیت شان را از سر گرفتند. پس از مدتی موجودی باز هم کم تر کم تر شد تا بالاخره روستاییان دست از کار کشیدند و برای کشاورزی سراغ کشتزارهای خود رفتند.

این بار پیشنهاد به ۴۵ هزار تومان رسید و در نتیجه تعداد میمون ها آن قدر کم شد که به سختی می شد میمونی برای گرفتن پیدا کرد. این بار مرد تاجر ادعا کرد که به ازای خرید هر میمون ۶۰ هزار تومان خواهد داد ولی چون برای کاری باید به شهر می رفت، کارها را به شاگردش محول کرد تا از طرف او میمون ها را بخرد.

در غیاب تاجر شاگرد به روستایی ها گفت: این همه میمون در قفس وجود دارد. من آن ها را به ۵۰ هزار تومان به شما خواهم فروخت تا شما پس از بازگشت تاجر، آن ها را به ۶۰ هزار تومان به او بفروشید. روستایی ها که وسوسه شده بودند، پول هایشان را روی هم گذاشتند و تمام میمون ها را خریدند. البته از آن به بعد، دیگر کسی نه مرد تاجر را دید و نه شاگردش را و تنها روستایی ها ماندند و یک دنیا میمون.

